

فلسفه شرقی و غربی نداریم/ آینده فلسفه اسلامی

دینانی ضمن آنکه فلسفه اسلامی را لاجود می‌داند معتقد است که آنچه که امروز در جهان وجود دارد فلسفه تنهاست و فلسفه قبیله ای و شرقی و غربی نداریم.



دینانی ضمن آنکه فلسفه اسلامی را لاجود می‌داند معتقد است که آنچه که امروز در جهان وجود دارد فلسفه تنهاست و فلسفه قبیله ای و شرقی و غربی نداریم.

به گزارش خبرنگار مهر، موضوع فلسفه اسلامی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان کشور ما بوده است. فلسفه دارای سابقه طولانی در مهد و تمدن باستان بوده و ایران زمین نیز محل تفکر و تعقل درباره مبدأ عالم و معاد جهان هستی بوده است و با درمیان گذاشتن مباحث مختلفی درباره انسان و علم و هنر و معرفت و دین توانست سرشته بسیار و شاید همه علوم را در برگیرد.

فلسفه اسلامی اما با دلیل سابقه یونانی‌اش و همینطور نحوه ورودش به مسائل دینی و الهی مانند اثبات خدا و ... موجب آن شده بود که بسیاری سر مخالفت با آن داشته باشند و راه آن را خلاف راه دین و نبوت و وحی بدانند. راهی که در ادامه با وارد شدن مقولاتی چون عرفان نظری و صوفی گری موجب بالاگرفتن این اختلاف و دعوا شد.

در طرف دیگر این مناقشات تاریخی مسئله دیگری وجود داشت که عبارت بود از چیستی و ماهیت فلسفه اسلامی. به واقع آیا ما فلسفه اسلامی داریم یعنی فلسفه‌ای که با دیگر فلسفه‌ها در عالم متفاوت باشد و این تفاوت ناشی از دین و فرهنگ اسلامی است یا خیر؟ جدای از آن خود فلسفه بما هو فلسفه چیست و چه کاربردی دارد؟

اما در میان پرسش‌های مطرح شده باید از این سؤال مهم تر ذکر کرد که آیا فلسفه اسلامی ما که جزو دانش ما می‌باشد و در سیر تاریخی مشخص و پر فراز و نشیبی نیز دارد توانسته است دستاوردی برای ما داشته باشد؟ آیا فلسفه اسلامی به عنوان یک علم و دانش ارتباطی با وضعیت موجود ما دارد یا خیر؟ آیا فلسفه اسلامی می‌تواند به پرسش‌های تاریخی و تمدنی و بنیادین ما پاسخ دهد؟ دبیر پرونده این شماره فرهنگ امروز در تلاش است تا با گردآوری مقالات و مصاحبه‌هایی در این زمینه بتواند پاسخ‌گو باشد. وی در ابتدا با یادآوری این نکته که امروز هر چه در وضعیت موجود مشاهده می‌شود مورد اتهام و نقد اطرافیان قرار می‌گیرد، معتقد است که همین وضعیت درباره فلسفه اسلامی نیز وجود دارد و غالباً منتقدان بدون داشتن زمینه مطالعه تاریخی مناسب شروع به نقد فلسفه اسلامی می‌کنند.

وی سپس با اشاره به این نکته که مخالفان بسیاری اصلاً علت انحطاط تمدن اسلامی را فلسفه می‌دانند به گروه دومی اشاره می‌کند که مدافع فلسفه اسلامی هستند و سرسختانه از آن در مقابل اتهامات وارده دفاع می‌کنند. این گروه قائل بر آن هستند که سرنوشت معنوی بشر در آینده‌ای نه چندان دور در دستان فلسفه اسلامی است.

پرسش اصلی این شماره این است: «با این میراث چه باید کرد؟» وی پاسخ به این پرسش‌ها را در سه سطح می‌داند: اول تاریخ نگاری که به پاسخ ما تا حدودی پرسش می‌دهد. سطح دوم که سنجش نسبت میان وضعیت کنونی این میراث با شرایط تمدنی موجود ماست اما سطح سوم به همان مناقشه از پیش گفته مربوط می‌شود.

وی در این میان با توجه به وجود فرآیندهای مختلفی که نسبت به این موضوعات هست نگاهی با هانری کربن دارد و معتقد است کربنیسم می‌تواند پاسخ‌گوی این سطوح باشد زیرا او خود در این سه سطح مطالعات فراوانی داشته است و در همه آنها وارد بوده است.

لازم به ذکر است که اگرچه پرونده‌های فرهنگ امروز در فصل اندیشه دارای مقالات و مصاحبه‌های فراوانی است که همگی از تنوع و وزن خوبی برخوردارند اما در نسبت با ملاک‌ها و اولویت‌های خود پرونده کمی جسته و گریخته است. معلوم نیست دقیقاً به کدام سؤال اصلی دارد پاسخ می‌دهد و در عین حال پاسخ‌گوی بسیاری از مطالب است. فرهنگ امروز نیز می‌تواند با فتح کردن قسمت‌های مختلفی مانند نشریات مرتبط با هر پرونده به تنوع خود پرونده نیز کمک شایانی کند و البته با روشن کردن سوال اصلی هر قسمت مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها را در همان قسمت گردآوری کند.

برخی از یادداشت‌ها و مقالات این شماره عبارت است از:

«فلسفه خودی» به قلم عبدالرحیم تجلی، عضو هیئت علمی مرکزی پژوهشی ادیان

تجلی در یادداشت خود آورده است: پیشنهاد من به عنوان کمترین پژوهشگر و معلم در این عرصه، این است که قدم اول برای برداشتن فلسفه خودی و حلال مشکلات، که ما را بجایی که هستیم برساند، این هست که شناسایی کنیم دغدغه‌ها آمال و آلام خودمان را و معضلات فرهنگ و مشکلات سایر حوزه‌ها را و آن‌ها را بر سایر متفکران و فیلسوفان خود عرضه کنیم. در این صورت است که می‌توان امید داشت به فلسفه خودی که آنگاه اسمش را هرچیزی می‌خواهید بگذارید: اسلامی، ایرانی و غیزه ذالک.

تجلی در حقیقت در مقام پاسخ به همان سوال مهم و اصلی این شماره است، که فلسفه اسلامی برای امروز ما چه دستاوردی می‌تواند داشته باشد؟ او همانطور که قید کرده این مسیر را فقط در صورتی رو به پایان می‌بیند که بتوانیم فلاسفه خود را با مسائل فعلی دنیای پیرامون خود مرتبط کنیم.

«چرا فلسفه اسلامی؟»، ترجمه مقدمه کریستین ژامبه بر کتاب «کنش هستی: فلسفه وحی در ملاصدرا»

شاید نگاه مستشرق و یک خارجی زبان به فلسفه اسلامی برای آنان که به این زمینه علاقمند هستند جالب باشد. ژامبه در این کتاب پاسخ سوالات ما را گویا داده و توانسته با نگاهی به ملاصدرا جایگاه فلسفه اسلامی را تبیین کند.

«بر سر سفره پیشینیان نشسته‌ایم»، گفت‌وگو با نصرالله پور جوادی.

نصر الله پورجوادی به عنوان استاد فلسفه اسلامی و محقق در این زمینه معتقد است که ما در زمانه‌ای هستیم که سالیان سال است از آبخشور فلسفه اسلامی درحال سیراب شدن هستیم و اگر بخواهیم تا در همین دوران فلسفه اسلامی بتواند برای ما دست‌آورد جدید داشته باشد و نیازهای امروز ما را پاسخ‌گو باشد باید تجدید عهد کنیم.

وی قائل بر آن است که تنها در صورتی ما می‌توانیم به این تجدید عهد دست پیدا کنیم که اصل توحید را که اصل اساسی فلسفه است را با جای سابق خودش برگردانیم. او نیز درباره جاگاه کربن در این میان می‌گوید: من معتقدم که کربن به چیزهای اصیل‌تری توجه کرده است. وقتی که کربن به مسائل عرفانی می‌پردازد، ممکن است که شما با بعضی از مسائلش با او هم عقیده نباشید، ولی خصلتی که کربن دارد این است که مسئله خود شناسی و مسئله شناخت حقیقت برایش اصل است. لذا علی رغم اینکه ممکن استدر بعضی مسائل فرعی با او اخلاف داشته باشم، ولی نحوه دیدش و توجهی که به تفکر و عرفان اسلامی داشته است جای تقدیر دارد.

«پرسش از گذشته برای ترسیم طرح آینده» گفت‌وگوی نصرالله پورحکمت و قاسم پورحسن، درباره آینده فلسفه اسلامی

در این مصاحبه این اساتید فلسفه در دانشگاه علامه طباطبایی و شهید بهشتی به بازخوانی آنچه که در قرون گذشته بر سر فلسفه اسلامی آمده است می‌پردازند. حکمت در این باره می‌گوید: حقیقت این است که صحبت درباره آینده فلسفه اسلامی، بدون دانستن وضعیت گذشته و حال این فلسفه، میسر نخواهد بود.

پورحسن نیز معتقد است: شاید مطرح شدن پرسشش درباره آینده فلسفه دلایل مختلفی داشته باشد، اما مهمترین دلیل وضعیت پر آشوب تفکر عقلی در این دوره است که از آن به آنومی تعبیر می‌شود یعنی اضطراب برای آینده.

دینانی که بدون شک یکی از فلاسفه معاصر ما و نویسنده کتب زیادی در این زمینه است در این مصاحبه ضمن آنکه فلسفه اسلامی را لاوجود می‌داند معتقد است که آنچه که امروز در جهان وجود دارد فلسفه تنه‌است و فلسفه قبیله‌ای و شرقی و غربی نمی‌باشد.

وی در جایی از سخنانش اشاره می‌کند به اینکه: اشعریت در ایران هنوز هم هست، منتها به شکلی نامرئی. ملاک اشعریت، اصالت خواستن است، نه اصالت عقل. این چیزی است که در همه جا هنوز هم هست و نمونه مهمش هم داعش است. حتی اروپا هم با همه عقلانیتش در حال حاضر و در شرایط کنونی اشعری است. چرا که به جای تعقل به خواستن فرمان می‌دهد.

علی‌پایا نیز در مقاله‌ای به مهم‌ترین نقاط ضعف کنونی فلسفه اسلامی پرداخته و بر ضرورت گفت‌وگوی فلسفه اسلامی با دیگر فرهنگ‌ها تأکید کرده است. گفت‌وگو با یانیس اشوتس استاد مرکز مطالعات اسلامی لندن از دیگر گفت‌وگوهای صورت گرفته در این پرونده است که به عبور فلسفه اسلامی از کربنسم اشاره کرده است. همچنین در این پرونده محمد ایمانی در مقاله‌ای به نقد دیدگاه‌های رایج و طرح چند پرسش در باره سرشت فلسفه در سرزمین‌های اسلامی پرداخته است. مهدی فدایی مهربانی در خصوص کربن و ضرورت احیای فلسفه شیعی در جهان معاصر سخن گفته و مالک شجاعی هم تأملی داشت در نسبت آینده فلسفه اسلامی و فلسفه تطبیقی.